

Part 2

در مورد زنان ایمان دار در کتاب مقدس گفتگوی کنیم و اکنون ادامه همچنان را
به پیش می بریم و در ادامه این عیب به مکه سبا اشاره می کنیم

مکه سبا - اول پادشاهان 1: 10 می خوانیم که مکه سبا چون شنیده بود سلیمان

حکمت خاصی را از خداوند دریافت کرده ، با هدایا و کاروانی بزرگ راهی اورشلیم شد
تا سلیمان را دیدار کند در آیه 3 می خوانیم که سلیمان به تمامی سوالات مکه سبا

جواب داد . ای خاکی می دانستیم کجنگاوی مکه سبا تا به چه قدری بوره است و او چه
سوالاتی از سلیمان کرده است ! ارج

ما از وجود زن محبت می کنیم یعنی مکه سبا او چنان تشنه حکمت بود که برای
به یک مسافت پر خطر و طولانی قدم گذاشت ، برای کسب حکمت تمامی هوش
و حواسش و مقدار زیادی از ثروتش را خرج کرد (به سلیمان هدیه داد) تا

در عوضش از حکمت سلیمان بهره مند شود ، کتاب مقدس به صریحی به ما می آموزد که حکمت
هم گنج گرانبجائی است ، عیسی صبح این حکمت را از ایشان در دستری ما قرار داده

با غسل تعمید در او و دریافت روح القدس به حکمت الهی می شود دست پیدا کرد
همانطور که او خود عزمورد : یوحنا 13: 16 و وقتی روح القدس که سر میسند همه را استیفاست
باید تمام حقیقت را به شما آشکار خواهد ساخت ، او از این بنده نیز شما را با قلب

فراهرسافت . در متی 12: 42 می فرماید : مکه سبا در روز داوری با این فرقه
برخاسته برایشان حکم خواهد کرد زیرا او از سر زمین بسیار دور آمد تا حکمت سلیمان

را بشنود و اشک شحفی بر رگه از سلیمان در اینجاست یعنی خود عیسی صبح . مکه سبا
همونند بسیار بسیار کاشی است که مانند الهی را با دقت بررسی می کنند او در پی

حکمت بود و از اینکه نزد شحفی دانا و حکیم برود احساس سهرم می کرد ، در اصل
24: 14 می گوید : بالاترین دانشخانه از طریق مغز بلکه از طریق قلب کسب می شود

و انسانی که آن را بیاید آئینه ای زیبا بدست فواید آورد، او زنی بود که برای کسب حکمت بیسته حرز همتی را بجان فرید، و این بی مایه امری را که برای کسب حکمت الهی همواره باید تلاش کرد

بیوه زن اهل عرفه : اول پادشاهان 17:8 خداوند ایلیای نبی را بیوه بیوه

زنی اهل عرفه می فرستد ایلیا در زمان خشکسالی در آنجا ساکن شده و روزگاری گذرانند. این بیوه زن فقیر جز معشای آوردگی روغن عیزی برای خوردن ندارد که با ایلیای نبی رو به روی شود ایلیا از او درخواست غذایی کند و او در جواب می گوید که آنچه است تمام کرده و برای خودش و سرش این آتش و عده غذایشان است در این هنگام خداوند وارد عمل

می شود و می فرماید : اول پادشاهان 17:14 تا زمانی که باران بر زمین نیاریم آورد و روغن تو تمام نخواهد شد. تا جایی که کتاب مقدس می گوید، این زن ایمان دار بوده است ولی او به گفته ایلیا اعتماد می کند و صلیق گفته خداوند آذوقه او و همپایان همه روز به اندازه همان روز سر جایش بود و هر سه آنهارو زانه از آن می خوردند

از آنجائی که سر این زن بیوه فرست می کند و ایلیا با قدرت روح خداوند او را دوباره زنده می کند و معجزه بزرگی در زندگی اش بیوه زن رخ می دهد و این اولین باری است که در کتاب مقدس با زنده شدن مرده ای رو به روی شویم حال در قدر این بیوه زن می تواند گذشته با سرج او به قدرت خداوند می برده بود

و به او ایمان آورده بود تا جایی که عسی صیح در انجیل لوقا 4:25 می فرماید این زن آموخت که خداوند ایمان را با داسی عظیم می دهد. دردها و زحمت عمیق

رسد ایمان را به همراه می آورد از این رو ما از این بیوه زن می آموزیم که حتی در ضعیف ترین لحظات زندگیمان خداوند ما را فراموش نمی کند و کافی است که به او ایمان داشته باشیم و منتظر رحمتش بمانیم تا که او ما را یاری دهد اعتماد می به خداوند تا چه حدی است؟

البيع وزن سوهي

دوم یادشاهان 4:8 در اینجا داستان زندگی زنی را می خوانیم که الیغ بنی را به خانه دعوت می کند، او به شوهرش می گوید که می دانم الیغ مرد فدا است و در سببت بام امانتی برای او بباریم تا هر وقت که از اینجا عبور می کند در اینجا بماند و استراحت کند.

این قدمت زن سهرنی بی یاداشی من مانده و با دعای الیغ در حضور خداوند آن زن صاحب بصری می شود چون صاحب اولاد نبود، عیدی بعد آن سینه بزرگ سکه و باید پیش به سزای غمی وقت

در این هنگام ایمان این زن به آزمایس گزاری می شود و سینه اوی میبرد، آن زن راه حل را در پیش الیغ می بیند و غلام خود را می فرستد تا الیغ را بیدار کند و بیاورد چون می دانست که او مرد فدا است و به اراده خداوند هر کاری امکان پذیر است در آیه 32 می خوانیم که الیغ با قدرت خداوند سر او را زنده کرد و او باز پادشاه شد

کتاب مقدس بیرون زدید مرد را سر خانوادگی معرفی کرده است اما این بدین معنی نیست که زن از خود هیچ اراده ای ندارد چون در بعضی مواقع ابتکار شخصی زنان قولی از مردان بوده و برتری ایمان آنان هم خود را نشان داده، مثل همین زن سهرنی با ایمانی که داشت خداوند به او بصری بخشید، و باز با ایمان او به خداوند بر آنکه از الیغ خواست که بیماری او بیاید و او سینه مرده او را با قدرت خداوند به زندگی بازگرداند

استفاده ای که صاحب شخصیتی بالغ و رسد کرده می باشد عداوتی ای به سگها و حمله و ضایع بر بندگی را ندارند در عوض همواره در پی آن هستند که با توافق و هم فکری زندگی زنا سوهی خود را بر طبق اراده خداوند اداره نمایند در این صورت است که حتی مسائل مهمی از قبیل تفاوت سنی زیاد اهدیت خویش را از دست می دهد، خداوند هر انسانی را بی حس و معرفت به عزد آفریده است و استعداد های خاصی در او نهاده است حال این برآمده خود شخص است که استعداد ها و امکانات خویش را تشخیص داده از آن استفاده

استفاده را نماید چه زن و چه مرد این زن به این اکتفا کرد که بیونی در اختیار الیغ نگذارد تا او خود ما محتاجی را فراهم کند نگذرد بطنی از فانه اس را که قسمتی از وجودش بود به خداوند و خادم او تقدیم کرد خداوند نیز در عوض به او یاداشی عظیم عطا کرد و او را که صاحب فرزندی نمی شد فرزندی بخشید.

اوبه زن عادی بود که ذهنی مبتکر داشت و زنی که بدون هیچ دانش خودی را وقف خدمت به دین آن راه بود و این روایان برکات الهی بر او نازل شد

لوقا 6:38 هر کس با ایمان بدهد بجز به او بخشوده خواهد شد

از داستان زندگی اوستا که فرزند هیچ قدرتی رای یاداش نمی نژاد، اگر بایست یاد و از همی قلب برای کسی در راه خدا خدمتی انجام دهدیم خداوند هم جواب این نیکی ما را خواهد داد همان طور که در تورات صهای قبلی اشاره کردیم خداوند به کسی بده کار نمی صانه، چون این در ذات خداوند است که یاداش نیکی را بدهد و گناه را نیزی سزا نخواهد نژاد است

سوالی که هر یک از ما باید از خود بپرسیم این است که اگر خداوند بخواهد یا وقت بیشتری در اختیار من می نژاد است یا اگر از تحصیلات بالاتری برخوردار بودم با آن حقایق می کردم، بلکه سوال این است با آنچه تا کنون در اختیارم گذاشته است چه می کنم؟

محم این سوره که در جاه و مقامی درد نیاید دست آورده ایم معنی این است که تا چه صری خداوند سرور و پادشاه زندگی حاکم و مقدر و معبود او را در زندگی روزانه خود ~~فهم~~ می کنیم.

و از این زن می آموزیم که خدمت به دیگران در واقع خدمت به خود ما است.

ملکه استر

استر دختری یهودی زاده بود که تا کاف خرابی راه راه پیدا کرد و ملکه و اول سرزمین پارس قدیم (ایران) شد. کتاب استر داستان زیبایی از دوران سلطنتی

پارس قدیم قرار است این آنجا و نجات قوم یهود توسط استر را به نمایش می نژاد و به ما

می آموزد که خداوند نقشه های خود را چگونه پی می برد، او از پارسین ترین افراد جامعه استفاده می کند، آنهارا بزرگی کند و برای نجات محبوبانش از آنها

استفاده می کند

نکته - مقدس می گویند که اسامی فرزندان ای بوده باشد ولی بدون آنکه او از حجاب یار شاه
 فرزندان او داشته است و متأسفانه به تاریخ ایران هزینه های بزرگی از اقوام بیگانه وارد
 آمده و مابقی دایم که او و فرزندان او چگونه زیسته اند و مثل فرزندان او چه کرده اند
 اما بدون شک مثل او زیسته اند و از آنجائی که می دانیم تاکنون هم مثل یهود در ایران
 بجز زندگی می کنند و بقوله ای با هم آمیخته ایم

با امیائی که او داشت تراست حجاب یار شاه را که در آن زمان بزرگترین پادشاه جهان
 شده بود در اقلان کند تا توسط او مردم خود یعنی یهودیان را بجات دهد و مخالفان
 را نیز از بین ببرد که سر کرده آنها همان یکی از بزرگترین وزرای قاجار شاه بود
 لغزت احساک فلک نای است که اگر آب خند منور شخص عمل می کند و نفرت همان نیز
 در اینجا به صد خودش عمل کرده و باعث مرگش (اعدامش) شد

داستان زندگی اسامی به ما می آموزد که خداوند می تواند از زنی استفاده کرده و موجب
 عبادت عمومی یا مردمانی شود کجانی است که به او ایمان داشته و به او اعتماد کنیم
 و فواست او را در مرحله اول زنده کنیم و از راه

در آفرین حفاظت زندگی عیسی صبح در صبحی 26:29 در آیه آخر عیسی می فرماید

((من به فواست من، بلکه به فواست تو)) زیرا خداوند فلک ما را الهه از ما می داند و
 به همین دلیل فواست او را در مرحله اول در دعاها ایمان قرار داریم، ترکان علم و
 مجربیات عزیزه قابل درک و دردناک در زندگی پایه و اساس و بنیاد ایمان ما را
 آشکار می سازد.

مریم مقدس مادر عیسی صبح

اوزی بود که بزرگترین افتخار در جهان نصیبش شد، با اینکه در آن بسیار در عوم بود
 بودند خداوند مریم را بزرگ دیده و به او این افتخار را داد که عیسی صبح از او تولد یابد
 و همان طور که بی شک فرشته خداوند گفت لوقا 28-26:1 خداوند با تو است و
 تو در میان زنان مبارک هستی

یاک دامن بودن در نظر خداوند بسیار قابل اهمیت است چه زن و چه مرد در
محمد صید الغیب مبین موضوع بسیار حاشیه شده است که از مشارک اخلاقی بدو
بیاید زیرا بدن ما حکمای صیح است و خانه روح القدس اگر ما پاک زندگی کنیم
روح القدس در طلب ما فائز می کند.

مریم از یک خانواده شریف و متدین و بالائی نبود بلکه آنها از طبقه پائین اجتماع بودند و
برای همین خداوند بزرگترین گناهی را اکثر از طبقات پائین جامعه انتخاب می کند تا که
آن خفا را سراسر از گرداند و جلال دهد، همانگونه که در کتاب مقدس با داستان پیامبران
و بزرگترین گان خداوند رو به روی شویم که از هر طبقات اجتماعی بوده اند.

تا جایی که می گوید همیشه مریم درین باری عیسی را باردار بود و بار این مسئولیت سنگین را بر عهده
داشت. چه کسی می توانست باور کند که فرزندی ای بر او ظاهر شده و او باید فرزندی خداوند
را در بدن خود دالته باشد، آن هم در آن زمان و میان قوم یهود که بسیار مذهبی
و سخت گریه بودند. مریم همه چیز را به جان خرید و خواست خداوند را برتر از همه

عینی داشت و این اطمینان در وجود او حس می شود که خداوند از او مراقبت می کند و اجازه
ممنی دهد که از طرف کسی خدشه ای به او وارد نشود. او خود را به فرشته کسیر خداوند
معرفی می کند و می گوید لوقا 1:38 همان طور که گفتی واقع شود

این جواب ساده ای بود که مریم به جبرئیل فرشته می داد حتی یوسف نامزد او گفته هایش را
باور نکرد با اینکه پیامبران پیشین مثل اسحیا و حزقیا که تولد عیسی را پیش گویی
کرده بودند که او (عیسی) از بابریه ای تولد خواهد کرد، باز در اینجا می بینیم که خداوند
دست به کاری می کرد و در رویا حقیقت ما را برای یوسف آشکار می سازد

این تمنا آغازی برای رنجهای مریم بود ولی ایمان او به خداوند او را شجاعانه به پیش می برد
در لوقا 46-48 | دعای مریم را می خوانیم که می گوید: خداوند را با تمام وجود ستایش می کنیم
و روح من بسبب نجات دهنده ام خدا شاد و مسرور است چون او من نافرست

را مورد عنایت قرار داده، از این پس همه نسلها ما قوسیمت خواهند خوانند
مریم به نافرمان بودن خود اعتراف می کند ولی او در نظر خداوند از بزرگترین نشان

تاریخ نسل بر ما یاد آورده خواهد شد مادر عیسی صیح صیحی عالم

سوال اینجاست که آیا ما هم بنا بر بودن خود اقرار می کنیم یا اینکه غرورمان
این اجاره را به ما نمی دهد؟!!

تا به نا صد بودن خود اقرار نکنیم و در مقابل خداوند زانو نزنیم و به فرزندان عیسی صلح ایمان نیاوریم
ما همچنان در گناها مان غوطه وریم و امکان بخشش این گناهان ما وجود ندارد

هر چه این رای دانت کم باید در مقابل اراده خداوند تسلیم شد حتی اگر دردآورترین و
سخت ترین ها را تجربه کند و او این را در به صلیب او عیسی صلح تجربه کرد

این سخت ترین صهی است که هر که مادری تواند تجربه کند گشته زبان فرزندان در مقابل

حیاطی آن هم بدین آگاهی که آن فرزندی گناه به هر که محکوم می شود، ولی ایمان او
خوارتر از این بود که از یاد آید. آیا مادر ایمان خود محکم و استوار هستم؟ و یا
اینه می توانیم از تجربه بیات سخت بیرون بیاییم؟ آیا ما گناه زندی ایمان ما را
ضعیف می کند؟

البته در بعضی مواقع ناامیدی در زندگی انسانها سایه می افکند، ولی خداوند از همه چیز
آگاهست و او چاره ای برای حل مشکلات دارد و او فرزندان خود را در سختیها
و آسودگی نمی کند

یادمانی که مریم که در مقابل این هم زجر و زحمت دید چه بود؟ او دوباره عیسی صلح را
زنده دید و ایمانی به خداوند تکمیل کردید با اینکه غم و محنت در زندگی او سایه
افکند بود ولی بازنده شدن عیسی صلح از مرگ خداوندی عیسی صلح نیست
مریم را دادند و او را مقدس خوانند

خداوند جای بسیار زیادی برای مقدماتین خود در نظر گرفته و ما نظیر به عیسی صلح می خوانیم
این جا برای ما ایمان دارند با او و خدای پدر ما باشد که تا هنگام بازگشت او ما نتوانیم
به این مکان مقدس وارد شویم

ما در سعای زیادی می توانیم از زندگی مریم بیاموزیم و یکی از اینها تسلیم شدن
در برابر اراده خداوند است و اینکه به خود شکر راه ندهیم و فرزندانمان را
در مواقع سختی تنها نگذاریم.

مریم تا آفرین لحقات در پایی صلیب عیسی ایستاد و او را تقاضا نمود است عیسی که در آفرین لحقات با هر که درسته و بیخه نرم می برد به مریم گفت مادر این نسیه ترست و به یوسف گفت و این مادر ترست (عیسی صیغ مادرش را حتی در خان مرگ فراموشی نکرد و قبل از مرگش برای مادر خود سر درستی تعیین کرد

در یوسف ص 26-27: 19 می توانیم ص ص مادر و فرزندان را بخوانیم و در کتبیم که مادران و اوصی ایمانی هم ص ص شب به زمانه ان خود دارند و این درس را می توان از مریم آموخت

اوهی دانست که برای عیسی صیغ همه انسانها بیگانه هستند (هم مادرش و هم برادرانش و هم خواهرانش و هم ما انسانهای عادی بلکه این ایمان انسانهاست که مورد توجه عیسی صیغ می باشد، پس از صعود عیسی صیغ به آسمان مریم هم با عوارین و درین ایمانداران در علیه ماسکوگ می کرد و اوقات خود را بی وقفه با دعا و مشافعات با خدا بسر می برد
چگونه تا به اندازه زمان خود را برای دعا و مشافعات صرف می کنید؟ آیا شما می توانید خود را خادم خدا بنامید؟

الیزابت هرزگر یا وزنی شایسته

در امثال 31: 10 می گوید: یک زن خوب را چه کسی می تواند پیدا کند؟ ارزش او از جواهرات هم بیشتر است

در انجیل لوقا 25: 1-5 سرگذشت زندگی الیزابت را می خوانیم. او فرزندی نداشت

چونکه نازا بود و سالخورده، او و شوهرش زکریا در نظر خداوند بسیار درست کار بودند و فواست قدر الیه جایی آوردند، از این رو خداوند فرشته ای را نزد زکریا فرستاده و مرده پدرش را به او داد و گفت هرگز بازدارنده و برتری به دنیا خواهی آورد و تو او را بحیثی خواهی نامید

حتی در زمان فعلی ما هزارگانه ای شنویم که در کتب ما، دنیا زن سالخورده ای بازدارنده و صاحب فرزندی شده است ما از این نکتته می آموزیم که پیری که برای انسان عبیه ممکن است برای خداوند ممکن است، تو لری بحیثی و عبیه خداوند به زکریا بود

حتی ما انسانی های عادی گاهی فوایدی می بینیم که به حقیقت می پیوندند

در حقیقت فزاونده می فواید هر چه با ما رابطه داشته باشد ولی نگاه این فاصله را بین ما و فزاونده به وجود آورده و از طرفی متأسفانه انسانها از سئادت او سر باز می زنند و می فوایدند که فزاونده ان عیان زنده نیسان را به دست بگیرند

زندگی پر از سگفتنیهاست و این سگفتنیها نه فقط برای مادران مردان بزرگی

هون اسحاق - بحقیق و کموئیل بود که پس از سالها انتظار پیران بلند مرتبه ای تقدیم قوم خویش برادند بلکه برای الیه ابیت نیز بود در زمانی که همه در صفا نسبت به نظری رسید و دعاها نیسان ی جواب مانده بود تا کنگان همه میز عوض شد و هر شش فرشته فزاونده در مقابل زاریا ظاهر گشت و وعده توحیدی را برای او به ارضمان آورد

اگر می فزاونده که ما هم سگفتنیهای زندگی را ببینیم باید ایمان را به فزاونده و عیسی صیح تقویت کنیم زیرا محال است که ایمانی وجود داشته باشد و نتیجه ای به عمل نیاید

این را عیسی صیح و رسولانش ثابت کرده اند که فزاونده به دعای ایماندارانش جواب می دهد بشرطی که ایمان واقعی باشد و به جبریت دعا شود

امیدوارم که شما هم در ایمان به سرورمان عیسی صیح و فزادی بدر رسد کنید و مانند این زنان ایمان دار زندگی پاک و شایسته در نظر فزاونده فراهم سازید تا او هم نظر لطفش را به شما نشان دهد و شما را کامیاب سافه و فزاونده شما را به شما پیوند

be continue

آمین ادامه دارد